

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: شخصیت‌پردازی یکی از مولفه‌های اصلی داستان‌سرایی است. شخصیت، مجموعه‌ای از ویژگی‌هاست که موجودیت یک شخص را در داستان می‌سازد و مخاطبان در برخورد با آن شخص در مقاطع گوناگون داستان، انتظار دارند که همان ویژگی‌ها را در آن شخص بازبینند. بنابراین شخصیت‌پردازی، هنر تصویر کردن ویژگی‌ها و منش اشخاص دخیل در داستان است به گونه‌ای که منتظره و باورپذیر باشد در این مقاله تلاش می‌شود شخصیت‌پردازی در خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد وحشی بافقی مقایسه شود و شباهت‌ها و تفاوت‌های نگاه و سلاقی این دو شاعر در حوزه شخصیت‌پردازی تبیین شود.

روش تحقیق: این پژوهش، جنبه تطبیقی دارد و بر اساس تطبیق خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد وحشی بافقی در حوزه شیوه‌های شخصیت‌پردازی، پیریزی شده‌است. بحث‌ها به شیوه ترکیبی از توصیف و تحلیل ارائه می‌شوند.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش، گویای آن است که هرچند مباحث نظری مربوط به حوزه شخصیت‌پردازی، جدید هستند و از زمان مواجهه ادبیات فارسی و ادبیات غرب در دوره معاصر، در ایران رایج شده‌اند، اما دو شاعر بزرگ پارسیگو، نظامی گنجوی و وحشی بافقی با تکیه بر نبوغ خویش در سطحی مناسب به شخصیت‌پردازی پرداخته‌اند.

نتیجه: نظامی در حقیقت تاریخ‌نامه زندگانی و پادشاهی خسرو پرویز را سروده‌است هرچند که جنبه‌های عاشقانه آن را هم برجسته کرده‌است. شخصیت اصلی منظومه او، خسرو است و سپس شیرین و دیگر شخصیت‌ها که تعدادشان نیز بسیار است، برخی جنبه فرعی دارند و برخی هم سیاهی لشکرند. در مقابل، وحشی، برشی از یک داستان بزرگتر را برگزیده و به تبع این گزینش، شخصیت‌ها را نیز گزینش کرده‌است. تعداد شخصیت‌ها در منظومه وحشی در حداقل ممکن است. شخصیت‌ها در منظومه نظامی به سبب آنکه در بطن یک متن تاریخی عمل می‌کنند، فردیت بیشتر دارند و در منظومه وحشی، جنبه نوعی شخصیت‌ها که تعدادشان نیز اندک است، چشمگیرتر است و حتی فرهاد را میتوان کمابیش شخصیتی نمادین و در عین حال، ازلی انگاشت. شخصیت‌های منظومه نظامی، کنش بیشتر دارند اما شخصیت‌های منظومه وحشی بیشتر شبیه افراد حاضر در تابلوی نقاشی هستند که ساکت و ساکنند و شاعر در کنار این تابلو ایستاده و درباره افراد حاضر در آن، نقالی می‌کند.

تاریخ دریافت: ۱۴ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۲۷ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

نظامی گنجوی، وحشی بافقی، خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد، شخصیت‌پردازی، داستان.

* نویسنده مسئول:

f.parsa@iaub.ac.ir

۴۲۵۱۸۰۰۰ (+۹۸ ۶۶)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A comparative study of characterization in Nezami Ganjavi's *Khosrow and Shirin* and Vahshi Bafghi's *Shirin and Farhad*

A.A. Sadeghi Jowzani, F. Parsa*, N. Azizi

Department of Persian Language and Literature, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 03 February 2024

Reviewed: 05 March 2024

Revised: 17 March 2024

Accepted: 06 May 2024

KEYWORDS

Nezami Ganjavi, Vahshi Bafghi, Khosro and Shirin, Shirin and Farhad, characterization, story.

*Corresponding Author

✉ f.parsa@iaub.ac.ir

☎ (+98 66) 42518000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Characterization is one of the main components of storytelling. Character is a set of characteristics that make up the existence of a person in the story, and the audience expects to see the same characteristics in that person when dealing with that person at different stages of the story. Therefore, characterization is the art of portraying the characteristics and character of the people involved in the story in such a way that it is expected and believable. In this article, an attempt is made to compare the characterization in Khosrow and Shirin Nizami and Shirin and Farhad Vahshi Bafghi, and the similarities and differences of the views and tastes of these two poets in The field of characterization should be explained.

METHODOLOGY: This research has a comparative aspect and is based on the comparison of Khosrow and Shirin Nizami and Shirin and Farhad Vahshi Bafghi in the field of characterization methods. Discussions are presented in a combination of description and analysis.

FINDINGS: The findings of this research show that although the theoretical discussions related to the field of characterization are new and have become common in Iran since the encounter between Persian literature and Western literature in the contemporary period, two great Parsigo poets, Nizami Ganjavi and Vahsih Bafghi with Relying on their ingenuity, they have done characterization at an appropriate level.

CONCLUSION: Nizami actually wrote the history of Khosrow Parvez's life and reign, although he highlighted its romantic aspects as well. The main character of his poem is Khosrow, followed by Shirin and other characters, who are also numerous, some of them have secondary aspects and some of them are black. On the other hand, Vahshih has chosen a section of a bigger story and according to this choice, he has also chosen the characters. The number of characters in the wild system is as minimal as possible. The characters in the military system have more individuality due to the fact that they act in the heart of a historical text, and in the wild system, the aspect of the type of characters, whose number is also small, is more impressive, and even Farhad can be more or less He considered a symbolic and at the same time eternal character. The characters of the military system have more action, but the characters of the wild system are more like the people in the painting, who are quiet and still, and the poet is standing next to this painting and is talking about the people in it.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7519>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 23	 0	 0

مقدمه

شخصیت‌پردازی، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های یک اثر داستانی است و یک شرط اصلی و ناگزیر برای توفیق داستان، توفیق در شخصت‌پردازی‌های آن است. نویسنده با پرداختن به امیال، دغدغه‌ها و اعمال شخصیت‌های داستان، باید بتواند حوادث پی‌درپی و جالب توجهی در داستانش بیافریند. یک اثر داستانی به سبب حوادث پر از کشش و کوشش، ممکن است ظرفیت بسیار بالایی برای جذب خواننده و کشیدن او از پی خودش داشته باشد و هر خواننده‌ای را با خواندن بخش‌های ابتدایی، هیجانزده کند؛ ولی پس از مدتی که از خواندن اثر گذشت و خواننده نتوانست شخصیت‌پردازی صحیح نویسنده را درک کند، دیگر چیزی نمی‌تواند او را مجبور به ادامه خواندن اثر کند. یک داستان با همه هیجانش، بیشتر به مکانی تازه شبیه می‌شود که وقتی خواننده واردش می‌شود، همه چیز برایش تازه و نو است، اما مدتی که از حضور در آنجا گذشت، احساس خستگی بر شخص غلبه می‌کند و تازگی محیط نیز رنگ می‌بازد. در این هنگام در آن مکان که تازگی را از دست داده است، حضور چند شخص معیندار که بتوان آنان را درک کرد و با آنان ارتباط گرفت، کهنگی مکان را از ذهن می‌زداید. به همین سبب است که درباره شخصیت‌پردازی و اهمیت آن گفته‌اند: نویسنده «گروه کلمات را می‌سازد و به یاری آنها شخصاً چیزها را به طور کلی وصف می‌کند، نام معینی بر آنها مینهد، جنسیت مشخصی را به آنها می‌دهد، حرکات و سکانات قابل قبولی را بدیشان تحمیل می‌کند و وادارشان می‌کند که از طریق جملات و عباراتی که بین دو ابرو جا می‌دهد، سخن بگویند. این مشت کلمات، اشخاص داستاند» (فورستر، ۱۳۹۱: ۶۵).

بیان مسئله

مسئله اصلی در این مقاله بررسی شخصیت‌پردازی در دو منظومه خسرو و شیرین نظامی گنجوی و شیرین و فرهاد وحشی بافقی به صورت مقایسه‌ای است. در این دو منظومه، با سه شخصیت اصلی مواجهیم که عبارتند از: ۱) خسرو دوم، پرویز ساسانی، آخرین فرمانروای قدرتمند دودمان ساسانی و ایران باستان که با فرمانروایی او، ایران باری دیگر و برای واپسین بار، مبتدل به قدرت بی‌چون و چرای فرمانرواییهای زمینی شد و سربازان ایرانی با سیاستها و تدابیر او و با رهبری سرداران دلیر ایرانی، مانند شاهین و شهربراز، از آسیا گذشتند و پای بر خاک آفریقا و اروپا نهادند (آوند، ۱۳۸۹: ۱۷۳) و از جانبی دیگر، پایتخت امپراتوری روم شرقی را محاصره کردند و سرزمین رودس را گشودند (زرین‌کوب، ۱۳۹۶، ج ۱: ۵۱۹؛ علی‌بابایی، ۱۴۳: ۸۹) و بدینسان، خسرو پرویز پس از شاهنشاهان هخامنشی، نخستین پادشاه ساسانی و آخرین پادشاه ایرانی شد که همزمان در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، حکم راند. ۲) دیگر شخصیت اصلی منظومه‌های خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد وحشی، شیرین است، همسر خسرو پرویز و مادر ولیعهد او مردانشاه (زرین‌کوب، ۱۳۹۶، ج ۱: ۵۲۰) که به خلاف مریم، شاهدخت رومی و همسر نخست خسرو پرویز، محبوب خسرو بود و داستان عشق آنان از همان روزگار ساسانیان، شهرت داشته‌است و گواه این شهرت، وجود داستان این عشق در شاهنامه فردوسی است و دیگر تاریخنامه‌های متقدم است. هرچند که در باور عمومی ایرانیان، شیرین، شاهدختی از دیار ارمن بود، اما این نظریه نیز وجود دارد که شیرین، دختری از خوزستان بوده، اما به هرحال، کیش مسیحی داشته‌است (التونجی، ۲۰۰۱: ۱۱۴). ۳) سومین شخصیت اصلی در این دو منظومه، فرهاد است. هر مقدار که شخصیت خسرو و ملکه‌اش شیرین به لحاظ تاریخی، آشکار است، شخصیت واقعی فرهاد و اینکه اساساً چنین کسی وجود داشته‌است یا نه، محل ابهام است. حکیم فردوسی که پیش از نظامی گنجوی، داستان خسرو و شیرین را سروده‌است، اشاره‌ای به فرهاد نمی‌کند و این احتمال هست که با

توجه به ظرف مکانی وقوع داستان شیرین و فرهاد که در نواحی شمال غرب ایران است و تفاوت آن با محل استقرار دربار ایران ساسانی، داستان شیرین و فرهاد، متعلق به دو شخصیت بکلی جدا از خسرو و شیرین باشد و اولی از داستانهای عامه بوده که اندک اندک به سبب اشتراک نام شیرین، به زندگانی دو شخصیت تاریخی، خسرو و ملکه‌اش شیرین، گره خورده‌است.

در دو منظومه خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد وحشی بافقی، شاهد نقش‌آفرینی شخصیتهای دیگری چون شاپور، باربد، نکبسا، بهرام، هرمز، کسری، دایه و دیگران نیز هستیم، اما هیچ کدام همپای آن سه شخصیت نیستند و در مرکزیت توجه شاعران قرار ندارند. به نظر میرسد در پرورش سه شخصیت اصلی یعنی خسرو، شیرین و فرهاد، شاهد یک قوس صعودی و نزولی تاریخی شدن و افسانه‌ای شدن هستیم که گذرگاه این صعود و نزول به سوی هم، شخصیت فرهاد است که هرگاه به کنشهای داستان وارد میشود، به سبب مبنای افسانه‌گون وجود خویش، وقایع را از ماهیت تاریخی کنشهای خسرو و شیرین به سمت داستانی شدن سوق میدهد. در این مقاله، نویسندگان در پی بررسی کردن وجوه شخصیت‌پردازی قهرمانان دو منظومه خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد وحشی هستند و هرچند که به دیگر شخصیتهای نیز توجه میشود، توجه اصلی بر سه شخصیت خسرو، شیرین و فرهاد است و شباهتها و تفاوتهای شیوه شخصیت‌پردازی در سروده نظامی و وحشی بافقی، مقایسه و بررسی میشود.

پیشینه تحقیق

درباره شخصیت‌پردازی در خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد وحشی بافقی، تاکنون پژوهشهایی صورت گرفته‌است که ضمن شباهتها و اشتراکاتی که با مقاله حاضر دارند، تفاوتهایی نیز دارند که موجب میشود مقاله حاضر، دارای تازگی باشد. برخی از این پژوهشها عبارتند از:

- قائدعلی، صدرا. (۱۳۸۲). «تحلیل شخصیت و شخصیت‌پردازی نظامی در دو منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون». مجله ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه بیرجند). شماره ۳. صص ۱۴۹-۱۶۲. در مقاله یادشده، تنها شیوه شخصیت‌پردازی نظامی مدنظر است و مقایسه آن با شیوه شخصیت‌پردازی شاعری دیگر (وحشی بافقی)، در موضوعی واحد و مقایسه‌پذیر (داستان خسرو و شیرین و فرهاد)، صورت نمی‌گیرد. همچنین مقاله مذکور، به شخصیتهای دو داستان مجزا (خسرو و شیرین و لیلی و مجنون) میپردازد، درحالی که در مقاله حاضر، شخصیتهای واحد در یک داستان با دو اجرا از دو شاعر مقایسه میشوند و این بستر مساعدی برای درک شباهتها و تفاوتهای دو شاعر در شخصیت‌پردازی فراهم میکند.

- حسینی مقدم، اسما. (۱۳۹۵). «تحلیل شخصیت خسرو در منظومه خسرو و شیرین نظامی با تکیه بر نظریه معنماحور». مجله متن‌شناسی ادب فارسی. شماره ۳۱. صص ۸۱-۹۸. در این مقاله، تکیه بر شخصیت خسرو پرویز و تحلیل شخصیت او در یک منظومه است و با ماهیت مقایسه‌ای مقاله حاضر، متفاوت است.

- فاطمی، سیدحسین؛ درپر، مریم. (۱۳۸۸). «بررسی سازوکار شخصیتهای در خسرو و شیرین نظامی». مجله جستارهای نوین ادبی. شماره ۱۶۷. صص ۵۳-۷۸. این مقاله به سبب منحصر بودن به شخصیتهای خسرو و شیرین نظامی، با ماهیت مقایسه‌ای مقاله حاضر متفاوت است. همچنین روش بررسی در آن، مطابق با الگوی گریماس است و لزوماً با مباحث شخصیت‌پردازی در هنر داستان‌نویسی مطابقت ندارد.

- نجفی، زهره؛ سیدی، پروانه. (۱۴۰۱). «بررسی شخصیت‌های منظومه شیرین و فرهاد وحشی بافقی بر اساس نظریه آلفرد آدلر». *مجله پژوهشنامه ادب غنایی*. شماره ۳۸. صص ۳۲۵-۳۵۴. این مقاله نیز منحصر به بررسی شخصیت‌های شیرین و فرهاد وحشی است و جنبه مقایسه‌ای ندارد. همچنین شخصیت‌ها بر اساس اصول داستان‌نویسی بررسی نمی‌شوند و روش بررسی، برگرفته از نظریه آدلر است.

- ذاکری، مریم؛ عادل‌زاده، پروانه؛ پاشایی فخری، کامران. (۱۴۰۲). «واکاوی شخصیت‌های خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریه مارتین سلیگمن». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/ادب)*. شماره ۹۱. صص ۹۵-۱۱۹. موضوع این پژوهش، شناسایی و تحلیل فضایل و توانمندی‌های شخصیت‌های منظومه خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریه روانشناسی مثبت‌نگر است و با روش تحلیل محتوا به تبیین فضایل و توانمندی‌های شخصیت‌های داستان خسرو و شیرین پرداخته‌است.

گذشته از مقالات یادشده، مقالات دیگری نیز در حوزه بررسی دو منظومه خسرو و شیرین و شیرین و فرهاد وجود دارند، که هر یک شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با مقاله حاضر دارند و همین تفاوت‌ها موجب تازگی مقاله حاضر می‌شود.

ضرورت و اهمیت تحقیق

ضرورت و اهمیت این تحقیق، تابعی از اهمیت دو منظومه گرانسنگ خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد وحشی است. این دو منظومه، جایگاه بسیار والایی در داستان‌سرایی کلاسیک فاسی دارند شهرت و محبوبیت فراوانی در تاریخ ادب فارسی کسب کرده‌اند. همچنین موضوع مقاله حاضر به رغم شباهتی که به برخی پژوهش‌های پیشین دارد، دارای تازگی است و از این جهت هم مقاله حاضر دارای ضرورت و اهمیت است.

بحث و بررسی

تعریف شخصیت و شخصیت‌پردازی

شخصیت‌ها، همان افراد داستان هستند که همه کاره داستانند؛ افرادی که کنش داستانی با وجود آنها به وجود می‌آید و فضا و مکان و زمان به سبب بودن و فعالیت آنها مفهوم پیدا میکند (عبداللهیان، ۱۳۷۸: ۳۵). شخصیت، مجموعه‌ای از ویژگی‌هاست که یک شخص در طی داستان از خود بروز میدهد. معادل انگلیسی این واژه، یعنی کاراکتر (Character)، در اصل به معنی حکاکتی کردن بوده‌است و برای طرح‌های منثوری به کار میرفت که مجموعه‌ای از تیپ‌های مختلف آدم‌ها را نشان میداد (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۴۹). شخصیت‌ها افرادی هستند که در یک اثر روایی اعم از داستان یا نمایشنامه، دارای ویژگی‌های آگاهانه و برگرفته از اخلاقشان هستند (دستغیب، ۱۳۸۴: ۴۱۶). نخستین بررسی و تحلیل شخصیت‌های داستانی توسط ارسطو در کتاب «فن شعر» صورت گرفت. پس از ارسطو و شاگردانش، بحث درباره شخصیت در قرون وسطی ادامه داشت تا اینکه در قرن هفدهم میلادی، شخصیت و شخصیت‌سازی به طور دقیق در ادبیات آغاز شد و با ظهور رمان بخصوص رمان‌های روانشناسانه به اوج خود رسید (عبداللهیان، ۱۳۷۸: ۳۶). شخصیت‌های داستانی که «مهمترین عنصر منتقل‌کننده مضمون داستان و مهمترین عامل طرح داستانند»، افرادی هستند مشابه افرادی که در اجتماع حضور دارند و به عبارتی تقلیدی از مردم جامعه هستند که با بینش جهانی نویسنده فردیت و تشخص می‌یابند. (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۴۲) به «خلق چنین شخصیت‌هایی که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه میکنند، شخصیت‌پردازی می‌گویند» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۸۴).

نویسنده در اثر خود میتواند هم از انسانها به عنوان اشخاص داستانی بهره ببرد و هم حیوانات و اشیا و رسم و سنتها و نیروهای طبیعی و اجتماعی را جایگزین انسانها کند و به وسیله آنها شخصیت‌پردازی کند (فورستر، ۱۳۹۱: ۶۴). حتی گاهی شخصیت، نمادی از حالتها و پدیده‌های انسانی، مانند شادی، غم و مرگ است (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۹۹).

معرفی دو منظومه

معرفی منظومه خسرو و شیرین نظامی

خسرو و شیرین، دومین مثنوی از مثنویهای پنجگانه نظامی گنجوی، موسوم به خمسه یا پنج گنج است. این مثنوی، زندگینامه خسرو دوم ساسانی، معروف به پرویز است با برجسته‌سازی عشق او به ملکه‌اش، شیرین و ماجراهایی که در این عشق رقم می‌خورد. این مثنوی ۶۱۵۰ بیت در وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن دارد. سرآغاز این داستان، زادن خسرو و بالیدن و پرورش او به آیین شاهان است. خسرو در ابتدای جوانی به میانجی شاپور، با شیرین آشنا میشود. شیرین، شاهزاده ارمن است و این دو شاهزاده به هم دل میبازند. چندی بعد خسرو به سبب شورش بهرام چوبین، از تیسفون به روم میگریزد و در روم با مریم، دختر امپراتور روم ازدواج میکند و چون به ایران بازمیگردد، تا مرگ مریم نمیتواند با شیرین ازدواج کند. پس از مرگ مریم، خسرو و شیرین به هم میرسند. رابطه خسرو و شیرین، از جانب فرهاد که هنرمند و صنعتگر است، دچار چالش میشود. در نهایت، فرهاد از میان برداشته میشود و خسرو و شیرین با کامروایی زندگانی میکنند، اما به سبب شورش قباد شیرویه که پسر خسرو و مریم است، خسرو کشته میشود و شیرین نیز خود را بر پیکر خسرو میکشد.

معرفی مثنوی شیرین و فرهاد وحشی

نخستین ممیزه شیرین و فرهاد وحشی بافقی از بیشتر منظومه‌های عاشقانه کلاسیک فارسی، آن است که این منظومه، یک داستان نیست، بلکه بخشی برش‌خورده و گزینش شده میانی یک داستان است و همین موجب شده که در نوع شخصیت‌پردازی آن و روایت کردن رخدادها نسبت به دیگر منظومه‌های مشابه، تفاوت‌های محسوسی ایجاد شود که در طی این مقاله به آنها پرداخته خواهد شد. درباره آگاهانه یا اتفاقی بودن برش‌خوردگی شیرین و فرهاد، بحث و نظر هست و اغلب این گونه انگاشته میشود که به سبب مرگ وحشی، این داستان، ناتمام مانده‌است (شیرین و فرهاد: ۵۴۴)، درحالی که حتی ابتدای این داستان هم برش‌خورده‌است و از میان ماجراها آغاز میشود و پیوسته‌ایی نیز که وصال شیرازی و صابر شیرازی بر این منظومه زده‌اند، این داستان را تمام نمیکند. شیرین و فرهاد، در قالب مثنوی و در ۱۰۷۰ بیت و بر وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن سروده شده‌است. این منظومه، به خلاف خسرو و شیرین نظامی که در حقیقت، تاریخ‌نامه‌ای عاشقانه برای زندگانی و پادشاهی خسرو است، زندگینامه هیچ یک از شخصیت‌های فعال در داستان نیست و چنان که گفته شد، برشی از زندگانی آنان را با هدف بیان رموز عشق، روایت میکند. به همین سبب است که وحشی در این منظومه میسراید:

مرا زین گفتگوی عشق بنیاد که دارد نسبت از شیرین و فرهاد
غرض عشق است و شرح نسبت عشق بیان رنج عشق و محنت عشق
(شیرین و فرهاد: ۵۲۰)

روایت وحشی بافقی از این داستان، از هنگامی آغاز میشود که خسرو، شیرین را رها میکند و با شکر سپاهانی عشق میبازد. پس شیرین که از تنهایی به تنگ آمده، از شهر بیرون میشود و جایی را در بیستون برای اقامت میپسندد.

همراهان او مهندسی به نام فرهاد را برای ساختن کوشکی برای شیرین استخدام میکنند. فرهاد به شیرین دل میبازد. از اینجای داستان به بعد، وصال شیرازی (۱۱۹۷-۱۲۶۲ هـ.ق) و پس از او، صابر شیرازی (متوفی حدود ۱۲۹۰ هـ.ق) همت به تکمیل شیرین و فرهاد می‌گمارند. شهرت عشق فرهاد و میل شیرین به او، به گوش خسرو میرسد. خسرو، فرهاد را به فریب میکشد و داستان باز هم نیم‌گفته و ناتمام می‌ماند، زیرا اگرچه فرهاد مرده‌است، شیرین هنوز زنده‌است. این داستان، همان داستان خسرو و شیرین فردوسی و نظامی است و تفاوتشان در تغییر زاویه دید است. در روایت نظامی، خسرو در مرکز توجه است و در روایت وحشی، شیرین در مرکز توجه است. همچنین در روایت وحشی و نظامی، به سبب افزوده شدن فرهاد به جمع شخصیتها، داستان به نسبت روایت فردوسی، از ماهیت تاریخی خود منحرف میشود و ظاهراً با روایتهای عامه‌درمی‌آمیزد. این انحراف در روایت نظامی، کمتر است و در روایت وحشی به سبب کنار نهاده شدن خسرو از مرکز توجه و تضعیف تاریخمندی داستان، انحراف به سوی داستانهای عامه بیشتر احساس میشود.

مقایسه شخصیت‌پردازی در خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد وحشی بافقی

گونه‌های شخصیت

شخصیتهای اصلی، فرعی و سیاهی‌لشکر

فردی را که در مرکز داستان کوتاه و رمان یا نمایشنامه و فیلمنامه قرار می‌گیرد و نویسنده سعی میکند که توجه خواننده یا بیننده را به او جلب کند، شخصیت اصلی یا شخصیت محوری یا شخصیت اول یا شخصیت مرکزی می‌گویند (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۲۰۰). شخصیت‌های فرعی نسبت به شخصیت‌های اصلی در داستان از اهمیت کمتری برخوردارند و در داستان حضور مداوم ندارند ولی دگرگونی‌هایی خواه مثبت خواه منفی ایجاد میکنند (بیشاب، ۱۳۹۱: ۵۸). سیاهی‌لشکرها به لحاظ اهمیت از شخصیت‌های فرعی نیز در مرتبه پایین‌تری قرار دارند و حتی میتوان گفت اصلاً اهمیتی ندارند و تنها به عنوان بخشی از محیط و صحنه در داستان حضور دارند (همان: ۱۳۰-۱۲۹). شخصیت‌های اصلی در دو منظومه نظامی و وحشی، عبارتند از خسرو، شیرین و فرهاد، هرچند که در وزن هر یک از آنها در منظومه نظامی و منظومه وحشی، تفاوت هست. در کنار این سه شخصیت، تعدادی از شخصیتها نیز هستند که زمینه‌ساز کنشهای سه شخصیت اصلی هستند و حضور بالاصاله ندارند و از این جهت، شخصیت فرعی و حتی سیاهی‌لشکر به شمار می‌روند. از میان این دسته از شخصیتها میتوان به شاپور، شکر، دایه، باربد، نکیسا، هرمز، کسری، بهرام، مریم، شیرویه و کنیزان اشاره کرد.

شخصیت اصلی داستان خسرو و شیرین را میتوان شخص خسرو دانست و شیرین و فرهاد نسبت به او، فرعیند و در منظومه شیرین و فرهاد، شیرین را میتوان شخصیت اصلی دانست و فرهاد شخصیت فرعی است و خسرو بکل از مرکز توجه خارج شده‌است. خسرو و شیرین نظامی علاوه بر آنکه داستانی عاشقانه میان خسرو و شیرین است، تاریخنامه منظوم پادشاهی خسرو نیز هست و به همین سبب از زادن خسرو آغاز میشود و به مرگ او می‌انجامد و هیچکدام از شخصیتها حتی شیرین، چنین طول و عرضی برای حضور در منظومه نظامی ندارند. در این منظومه، پس از مقدمات و تحمیدیه و مدیحه و مقدمات مرسوم، پیش از هرچیز به زادن خسرو پرداخته میشود:

چنین گفت آن سخنگوی که‌نژاد	که بودش داستانهای کهن یاد
که چون شد ماه کسری در سیاهی	به هر‌مز داد تخت پادشاهی
به چندین نذر و قربانش خداوند	نرینه داد فرزندی چه فرزند

پدر در خسروی دیده تماش
از آن شد نام آن شهزاده پرویز
نهاده خسرو پرویز نامش
که بودی دایم از هر کس پر آویز
(خسرو و شیرین: ۴۰)

و سپس نظامی با وسواس و جزئیات بسیار به مراحل بالیدن و پروردن خسرو می‌پردازد:

بهر سالی که دولت می‌فروشد	خرد تعلیم دیگر می‌نمودش
چو سالش پنج شد در هر شگفتی	تماشا کردی و عبرت گرفتی
چو سال آمد به شش چون سرو میرست	رسوم شش جهت را باز میجست
چنان مشهور شد در خوبروئی	که مطلق یوسف مصرست گوئی
پدر ترتیب کرد آموزگارش	که تا ضایع نگردد روزگارش
بر این گفتار بر بگذشت یک چند	که شد در هر هنر خسرو هنرمند
چنان قادر سخن شد در معانی	که بحری گشت در گوهرفشانی
پس از نه سالگی مکتب رها کرد	حساب جنگ شیر و اژدها کرد
چو بر ده سالگی افکند بنیاد	سر سی سالگان میداد بر باد
چو عمر آمد به حد چارده سال	بر آمد مرغ دانش را پر و بال
نظر در جستنیهای نهان کرد	حساب نیک و بدهای جهان کرد

(خسرو و شیرین: ۴۱)

و ماجراهای نوجوانی او را نقل میکند (خسرو و شیرین: ۴۲-۴۸) و این درحالی است که تا بخشها پس از آن، خبری از شیرین و تا بخشها پستر از آن، خبری از فرهاد نیست و زادن آنان نیز روایت نمیشود و از میانه زندگانشان با آنان آشنا میشویم. نخستین مواجهه خواننده با شیرین، در خلال توصیفات شاپور درباره اوست که چهار فصل پس از فصل زادن خسرو رخ میدهد:

زبان بگشاد شاپور سخنگوی	سخن را بهره داد از رنگ و از بوی...
پریدختی پری بگذار ماهی	به زیر مقنعه صاحب‌کلاهی...

(خسرو و شیرین: ۴۹-۵۰)

مواجهه با فرهاد از این هم دیرتر رخ میدهد و نخستین حضور فرهاد در منظومه نظامی، در فصل پنجاه و سوم است:

نشسته پیش او شاپور تنها	فرو کرده ز هر نوعی سخنها...
که هست اینجا مهندس مردی استاد	جوانی نام او فرزانه فرهاد
به وقت هندسه عبرت‌نمایی	مجسطی‌دان و اقلیدس‌گشایی...

(خسرو و شیرین: ۲۱۶)

و فرهاد چند فصل بیشتر نیز مهمان منظومه نظامی نمی‌ماند و به سرعت از صحنه داستان خارج و حتی فراموش میشود. بنابراین، منظومه نظامی با همه جنبه‌های عاشقانه‌اش، تاریخنامه زندگانی و پادشاهی خسرو دوم، پرویز ساسانی است و با زادن او آغاز میشود و با مردنش خاتمه می‌یابد و طبیعی است که شخصیت اصلی شخصیت اصلی آن نیز شخص خسرو باشد.

اما در منظومه شیرین و فرهاد وحشی، شخصیت اصلی را میتوان شیرین دانست و ذکر خسرو و فرهاد، بر گرد حضور شیرین، شکل میگیرد. وحشی، با نامگذاری منظومه‌اش به صورت «شیرین و فرهاد»، خسرو را از مرکزیت توجه کنار مینهد و سپس در میان شیرین و فرهاد، مقام نخست را به شیرین میدهد. هرچند که این منظومه، «فرهاد و شیرین» نیز نامیده میشود، اما نخستین ذکر این جفت عاشقانه در سخن خود وحشی، به صورت «شیرین و فرهاد» است:

مرا زین گفتگوی عشق بنیاد که دارد نسبت از شیرین و فرهاد
(شیرین و فرهاد: ۵۲۰)

همچنین اگرچه در فصلهای مقدمه، اشاراتی به شخصیت‌های عاشقانه از قبیل لیلی، مجنون، زلیخا و البته فرهاد و شیرین میشود، اما خود داستان با جدایی شیرین و خسرو و خارج شدن خسرو از مرکز توجه و پرداختن انحصاری به شیرین آغاز میشود (شیرین و فرهاد: ۵۲۲) و پنج فصل پس از آن در فصل بیستم منظومه است که نوبت به حضور فرهاد میرسد (شیرین و فرهاد: ۵۲۹). از این جهت، داستان تا کمابیش نیمه راه، با شیرین پیش میرود و سپس فرهاد به تبع نیازهای رفع تنهایی شیرین به جریان داستان افزوده میشود:

چنین گفت آنکه این طرح نو انداخت که چون شیرین به هامون بارگی تاخت
فضایی دید و خوش آب و هوایی برای کار او فرمود جایی...
طلب فرمود خاخان هنر سنج در افشان شد ز یاقوت گهر سنج
که می‌خواهم دو استاد و چه استاد دو استاد هنرورز و هنرزاد...
(شیرین و فرهاد: ۵۳۰)

در حوزه شخصیت‌های فرعی و شخصیت‌های سیاهی لشکر باید گفت که تعداد این گونه شخصیت‌ها در منظومه نظامی، بسیار زیاد است و علت نیز ذات تاریخ‌نامه بودن منظومه نظامی است که موجب میشود در سیری تاریخی و زمانمند و به تبع رخدادهای تاریخی، ذکر افراد بسیاری مانند کسری، هرمز، بهرام، مریم، شیرویه به میان می‌آید، اما وحشی، همانگونه که برشی از یک داستان بزرگتر را برگزیده و بسط میدهد، شخصیت‌هایش را نیز به تعدادی انگشت‌شمار برگزیده‌است. گذشته از شیرین، فرهاد و خسرو، در منظومه وحشی از شاپور و دایه در مقام شخصیت فرعی یاد میشود و بقیه شخصیت‌ها، سایه‌وارند و حتی نامی ندارند و در نقش‌هایی چون کنیز و خدمتکار و ندیم و در مقام سیاهی لشکر، ایفای نقش میکنند.

شخصیت پایا و پویا

شخصیت پایا که به آن شخصیت ایستا هم می‌گویند، شخصیتی است که در طی داستان، تغییری نمیکند (عابدی، ۱۳۸۵: ۷۰) و در عوض، شخصیت پویا، شخصیتی است که در طی داستان، همگام با حوادث، تحول می‌پذیرد (مستور، ۱۳۷۹: ۳۵).

شخصیت خسرو در هر دو منظومه، از زمره شخصیت‌های پایاست. او پادشاهی صاحب شوکت، کامروا و در عین حال ادب‌آموخته و مہذب است و پس از طی کردن تغییرات طبیعی در مراحل رشد و تربیت، دیگر تغییری در او رخ نمیدهد. سبب این پایایی را وجهه تاریخی شخصیت خسرو و شدت شهرت او در ویژگی‌های تثبیت شده برای شخصیتش میتوان جست که موجب میشود نتوان در شخصیت او تغییری ایجاد کرد و از این جهت، حفظ این پایایی و ایستایی، نه تنها نقطه ضعف نیست، بلکه نشانگر دقت دو شاعر در حفظ خط منطقی داستان است، اما

شخصیت دیگر نقش‌آفرینان در این دو منظومه، دچار تغییراتی میشود. مهمترین تغییر در این دو داستان، در شخصیت فرهاد رخ میدهد. او در روایت نظامی، مهندسی اهل ریاضی و حساب است:

که هست اینجا مهندس مردی استاد	جوانی نام او فرزانه فرهاد
به وقت هندسه عبرت‌نمایی	مجسطی‌دان و اقلیدس‌گشایی
به تیشه چون سر صنعت بخارد	زمین را مرغ بر ماهی نگارد
به صنعت سرخ گل را رنگ بندد	به آهن نقش چین بر سنگ بندد
شود مرد از حساب انگشتریگر	ولیک از موم و گل نر آهن و زر

(خسرو و شیرین: ۲۱۸)

وحشی نیز شبیه همین اوصاف را درباره فرهاد بیان میدارد:

نخستین پر هنر صنعت نمایی	که از دست آیدش عالی بنایی
شماری رفته با صنعت شناسش	برون ز انگشت رد طرح اساسش
همه طرحش به وضع هندسی راست	فرونی نیزش اندر هر کم و کاست

(شیرین و فرهاد: ۵۳۰)

اما این شخصیت عدداندیش و حسابگر، به سرعت مبدل به عاشقی پاکباز میشود. در روایت نظامی، به محض توصیف شخصیت این استاد ریاضی و هندسه، فصل بعدی به «زاری کردن فرهاد از عشق شیرین» اختصاص دارد (خسرو و شیرین: ۲۲۲). در روایت وحشی، این تحول شخصیت از دو جنبه رخ میدهد، نخست آنکه این استاد بی‌نظیر و اهل محاسبه که انتظار می‌رود برای صنعتش، مزد بسیار حساب کند، از مزد اظهار بی‌نیازی میکند:

به مرد تیشه‌سَنج سخت‌بازو	چو زر کردند گوهر در ترازو
ز کار کارفرمایان بر آشف	گره بر گوشه ابرو زد و گفت
مگر از بهر زر ما کار سنجیم	ز میل طبع خود زینسان به رنجیم

(شیرین و فرهاد: ۵۳۲-۵۳۳)

و برخلاف آنکه انتظار می‌رود به سبب سروکار داشتن با سنگ و آهن و عدد، شخصیتی خوددار باشد، به صرف شنیدن اوصاف حسن کارفرمایش (شیرین) از زبان خدمتکاران، برای رفتن نزد او تعجیل میکند و به محض رسیدن به محضر شیرین، عشق خویش را به او عرضه میدارد:

به ایشان گفت اگر رفتن ضرور است	توقف از صلاح کار دور است
چو حسن و عشق در جولانگه ناز	عنان دادند لختی در تک و تاز
نگهبانان ز هر سو در رسیدند	دو مرغ همنوا دم در کشیدند

(شیرین و فرهاد: ۵۴۳)

شخصیت شیرین نیز در یک قوس صعودی و نزولی در نزدیک شدن به خسرو و دوری گزیدن از او در تردّد و تحوّل است، اما کیفیت این تردّد و تحوّل در دو منظومه متفاوت است. در خسرو و شیرین نظامی، همواره یک پس‌زمینه وفاداری به خسرو در ورای این تغییرات دیده میشود. اوج این وفاداری در روایت نظامی، هنگامی است که خسرو در شورش شیرویه کشته شده‌است و شیرین با همه بی‌پناهی‌اش، به جای اجابت تقاضای شیرویه از او که همسرش شود، خویش را بر جنازه خسرو میکشد:

به خون گرم شست آن خوابگاه را جراحت تازه کرد اندام شه را
به نیروی بلند آواز برداشت چنان کان قوم از آوازش خبر داشت
که جان با جان و تن با تن بیپوست تن از دوری و جان از داوری رست
(خسرو و شیرین: ۴۲۳)

اما در روایت وحشی هرچند که این روایت، در حقیقت ناتمام میماند و سرانجام قوس صعودی و نزولی شخصیت شیرین به درستی معلوم نمیشود، اما در آن مقدار که سروده وحشی است، آغاز فرایند عاشق شیرین به فرهاد، به وضوح احساس میشود (خسرو و شیرین: ۵۴۰-۵۴۳) و در دنباله این داستان که سروده صابر است، فرهاد است که در مواقع امکان وصال، خویش را بر کنار میدارد (شیرین و فرهاد: ۶۱۰). دیگر شخصیت‌های این دو منظومه که از زمره شخصیت‌های فرعی هم هستند، مانند شاپور و دایه، دارای ثبات و ایستائیند و دو شاعر دلیلی برای ایجاد تحول در آنان نمی‌بینند.

شخصیت‌های قالبی و قراردادی

شخصیت قالبی، شخصیتی است که در قالب قابل انتظار خود باشد، برای نمونه، اگر از طبقه تحصیلکردگان است، طرز سخنش باقاعده است و اگر سورچی گاری در عصر قاجار است نیز طرز سخنش به گونه‌ای است که شبیه سورچیان عصر قاجار باشد (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۹۷). در برابر، شخصیت قراردادی، شخصیت کلیشه‌ای است که بی‌توجه به جایگاهی که دارد، به پیروی برخی از کلیشه‌های از پیش موجود سخن میگوید و رفتار میکند. شخصیت‌های قراردادی، همه مثل هم هستند و نمیتوان پایگاه و جایگاه آنان را حدس زد (همان: ۹۸). شخصیت‌ها در هر دو منظومه خسرو و شیرین و شیرین و فرهاد، جنبه قالبی دارند، بدین معنی که مطابق آنچه از آنان انتظار می‌رود، عمل میکنند و سخن میگویند و این تا حدی به سبب وجود آگاهی و اطلاع درباره آنان است. خسرو که انتظار می‌رود شاهنشاهی کامروا و اهل عیش باشد، از هر موقعیتی برای شادی و شادخواری خویش بهره میبرد و در هر دو منظومه همین ویژگی از او سرمیزند:

قضا را از قضا یک روز شادان به صحرا رفت خسرو بامدادان
(خسرو و شیرین: ۴۳)

و

خبر دادند شیرین را که خسرو به شکر کرده پیمان هوس نو
(شیرین و فرهاد: ۵۲۱)

شخصیت دلربای شیرین، شخصیت پاکباز فرهاد و شخصیت کاردان و چاره‌گر شاپور، مطابق با همان قالب‌هایی است که از آنان انتظار می‌رود. مناظره خسرو و فرهاد در خسرو و شیرین نظامی (خسرو و شیرین: ۲۳۲-۲۳۸) را میتوان یکی از نمودهای مناسب برای تعلق این شخصیت‌ها به حوزه شخصیت‌های قالبی دانست. در سرتاسر این مناظره، خسرو از جایگاه پادشاهی صاحب سلطه و شوکت سخن میگوید و فرهاد از جایگاه عاشقی بی‌توجه به دنیا و تعلقاتش و هر دو در قالب‌های تعبیه شده و شناخته‌شده‌شان عمل میکنند و سخن میگویند، اما همین مناظره را میتوان نمونه‌ای از قراردادی بودن شخصیت‌ها در ساحت گفتار نیز به شمار آورد، زیرا گذشته از محتوای مناظره، تمایزهای در خود زبان نیست که بتوان میان گفتار خسرو و فرهاد، تفاوت قائل شد و همین پدیده درباره دیگر شخصیت‌ها نیز دیده میشود.

شخصیتهای ساده و پیچیده

شخصیتهای ساده، بازنمود یک ساحت از موجودیت انسان هستند، درحالی که شخصیتهای پیچیده، ساحت‌های چندگانه‌ای از وجود انسان را به نمایش میگذارند. معمولاً شخصیتهای ساده، شخصیتهای راکد و ایستا هم هستند (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۹۵) و داستانهای تراز اول جهان، معمولاً با نقش‌آفرینی شخصیتهای پیچیده پدید می‌آیند (همان: ۲۹۶).

هر دو گونه شخصیت ساده و پیچیده در هر دو منظومه حضور دارند. شخصیتهایی مانند شاپور و دایه، صرفاً نیکخواه هستند و از این جهت، ساده اند، اما شخصیتهای خسرو، شیرین و فرهاد، درجاتی از پیچیدگی را دارند. خسرو، انبوهی از ویژگیها را در خود دارد که گاه متناقض هم هستند. او بسیار رئوف، مهذب و مودب است و در عین حال در هر دو منظومه، علیه فرهاد، توطئه میکند و او را به کشتن میدهد (خسرو و شیرین: ۲۹۰-۲۹۲؛ شیرین و فرهاد: ۶۱۲). خسرو در منظومه نظامی، مایه‌هایی از شیطننت نیز در خود دارد و هنگام جان باخت فرهاد، تعزیت‌نامه‌ای طنزآلود طعنه‌آمیز برای شیرین می‌فرستد (خسرو و شیرین: ۲۶۲-۲۶۶). شیرین نیز که شاهدختی مودب و مهذب است، همین شیطننت شرارت‌آمیز را در مرگ مریم، درباره خسرو میکند (خسرو و شیرین: ۲۶۷-۲۷۱). شیرین، همسری وفادار است که از اغیار، دلبری و حتی به آنان اظهار محبت هم میکند (شیرین و فرهاد: ۵۶۰). اما شخصیت فرهاد، بالنسبه شخصیتی پیچیده‌تر است. شاید یک سبب عمده برای ممکن شدن این پیچیدگی، فقدان مبنای تاریخی برای این شخصیت است که موجب میشود سرایندگان به دلخواه خویش مسیر زندگانی او را بازتعریف کنند. فرهاد در هر دو منظومه، صنعتگری ریاضی‌دان و هندسی است که با سنگ و آهن سر و کار دارد (خسرو و شیرین: ۲۱۸؛ شیرین و فرهاد: ۵۳۰)، اما در هر دو منظومه، بسیار دل‌نازک و عاشق‌پیشه است (خسرو و شیرین: ۲۱۵-۲۲۱؛ شیرین و فرهاد: ۵۴۳) و در روایت نظامی حتی مبدل به شبه‌مجنونی میشود:

گهی	با آهوان خلوت	گزیدی	گهی	در موکب گوران	دویدی
گهی	اشک گوزنان	دانه کردی	گهی	دنبال شیران	شانه کردی
به	روزش آهوان	دمساز بودند	گوزنانش	به شب همراز	بودند

(خسرو و شیرین: ۲۲۴-۲۲۵)

و در عین حال با همه تندی آتش این عشق، در منظومه وحشی، بسیار هم پاکدامن است و در دنباله صابر شیرازی بر منظومه وحشی، با وجود عرضه کردن شیرین، خویش را به فرهاد، خواست شیرین را اجابت نمیکند:

بگفت	ای عشق	تو منظور	جانم	کرم	فرما	به این خدمت	مخوانم
از این خدمت	مرا معذور	میدار	که در سفتن	بسی	کاریست	دشوار	

(شیرین و فرهاد: ۶۰۹)

اما در روایت نظامی، اساساً این موقعیت نصیب فرهاد نمیشود، زیرا او به خلاف روایت وحشی، در روایت نظامی در مرکز توجه نیست و در بخش بالنسبه کوچکی از داستان حضور مییابد. دیگر شخصیتهای این دو روایت، شخصیتهای تخت و ساده‌اند و مطابق آنچه انتظار میرود عمل میکنند.

شخصیتهای فردی، نوعی، نمادین و ازلی

شخصیتهای فردی، شخصیتهای منحصر به فرد هستند که موجودیت یک فرد خاص را نشان میدهند، درحالی که شخصیتهای نوعی، نقش هر فردی از طبقه خود را بر عهده دارند. شخصیتهای نمادین، شخصیتهای تمثیلی هستند که نمودار یک خوی یا مفهوم انتزاعی اند، مانند ضحاک که نمایانگر خود ددمنشی و دروغ است (حنیف، ۱۳۷۲: ۴۹). شخصیت ازلی نیز خصایصی از زمان‌ها و مکان‌های متفاوت را یکجا گرد آورده و جنبه بیزمانی یافته‌است (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۹۶).

شخصیتهای تاریخی این دو منظومه، در عین آنکه میتوانند نمادین ارزیابی شوند، فردیت تاریخی خویش را نیز کمابیش حفظ کرده‌اند، مخصوصاً خسرو که با وجود نقش‌آفرینی در داستانی عاشقانه، شخصیت فردی تاریخی خود را به نمایش میگذارد، اما این تاریخی بودن، در منظومه نظامی، بسیار قدرتمند و پررنگ و در منظومه وحشی، کمرنگتر است و اساساً وحشی به خلاف نظامی، در پی تاریخ‌گویی عاشقانه نیست، بلکه صرفاً در پی بازگویی عشق است و به همین سبب شخصیتهایش نیز نمادین‌ترند. وحشی خود در این باره میسراید:

مرا زین گفتگوی عشق بنیاد که دارد نسبت از شیرین و فرهاد
غرض عشق است و شرح نسبت عشق بیان رنج عشق و محنت عشق
(شیرین و فرهاد: ۵۲۰)

در هر دو منظومه، شخصیتهای فاقد جنبه تاریخی، جنبه نوعی و نمادین بیشتری دارند. دایه و شاپور، نماد شخصیتهای غمخوار چاره‌ساز هستند و در صفتها و سخنان و کنشهایشان این کارکرد، پیداست:

زمین را بوسه زد فرزانه شاپور که رای شاه باد از هر بدی دور
(شیرین و فرهاد: ۵۷۰)

و

در آن دیر کهن فرزانه شاپور فرو آسود کز ره بود رنجور
(خسرو و شیرین: ۵۸)

و

دماغ از آب می چون شستشو کرد به دایه از غم دل گفتگو کرد
(شیرین و فرهاد: ۵۳۹)

اما نمادین‌ترین شخصیت در این دو منظومه را میتوان مبهم‌ترینشان به لحاظ تاریخی دانست و او کسی نیست جز فرهاد. فرهاد، را نباید یک شخص مشخص دانست، بلکه او نمادی است از نیروی تأثیرگذاری عشق که چنان مهیب و بنیانکن است که میتواند انسانی حسابگر سرگرم سنگ و آهن را به عاشقی ذوب‌شده در معشوقه و پاکباز و جانفشان تبدیل کند. او را حتی میتوان شخصیت ازلی دانست، زیرا معلوم نیست که از کجا آمده‌است و پیش از آن چقدر زیسته و این هنرها را از کجا آورده‌است. این ابهامات در منظومه وحشی بیش از منظومه نظامی است و به سبب آنکه وحشی، یک برش میانی از یک داستان بزرگتر را برگزیده و سروده، گویی برگهای اول و آخر داستان را افتاده‌است. حتی در دنباله‌های وصال و صابر نیز سرانجام شخصیتهای پیدا نیست یا در غایت ایجاز و ابهام است. در دنباله صابر بر شیرین و فرهاد، درباره فرهاد به صورت کلی و تنها در چند بیت میخوانیم که او به تدبیر خسرو کشته شد:

به تیشه دست خود سر کوفت فرهاد
 شد از کوه دو سد اندوه آزاد
 درخت عشق را جز غم ثمر نیست
 بر و برگش جز از خون جگر نیست
 (شیرین و فرهاد: ۶۱۰)

و با بیت آخر نیز تأکید میشود که در حقیقت، فرهاد و سرنوشت او، میوه درخت عاشقی است و بدینسان، فرهاد، نه یک شخص، بلکه نمادی از نیروی عشق است.

گونه‌های شخصیت‌پردازی

شخصیت‌پردازی به طور کلی بر دو گونه مستقیم و غیرمستقیم است. شخصیت‌پردازی مستقیم، شامل پرداختن به مشخصات ظاهری و خصوصیات اخلاقی شخصیت به صورت مستقیم و با توصیف و تشریح از زبان نویسنده میشود (عابدی، ۱۳۸۵: ۷۰). شخصیت‌پردازی غیرمستقیم، آن است که نویسنده از طریق رفتار، اندیشه‌ها، گفتار و حتی نام شخصیت اطلاعاتی را به طور غیرمستقیم در اختیار خواننده قرار میدهد (دستغیب، ۱۳۸۴: ۲۳۳). شخصیت‌پردازی غیرمستقیم، خود از چهار مجرای اصلی صورت میگیرد که عبارتند از: ۱- کنش؛ ۲- گفتار؛ ۳- نام و ۴- وضعیت ظاهری و قوت هر یک از این شیوه‌ها به آن است که از زبان خود سراینده داستان نباشد (میرصادقی، ۱۳۸۸، ۸۷-۹۱).

شخصیت‌پردازی در ادبیات کلاسیک فارسی بیشتر به صورت مستقیم بوده است (ایرانی، ۱۳۸۰: ۴۷۲)، هرچند که شخصیت‌پردازی غیرمستقیم هم در آن دیده میشود (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۴۱). در دو منظومه خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد وحشی نیز هر دو گونه شخصیت‌پردازی دیده میشود.

شخصیت‌پردازی از طریق کنش

کنش شخصیتها در منظومه نظامی بسیار بیشتر از منظومه وحشی است و این به سبب اساس تاریخی منظومه نظامی است و روایت کردن تاریخ، بیشتر مبتنی بر ارائه خلاصه کنشهاست تا ذکر اوصاف افراد. در مقابل، وحشی به سبب آزاد کردن خویش از قید تاریخسرایی، از کنشها کاسته و به توصیفات، روی آورده است. در بیشتر فصلهای خسرو و شیرین نظامی، شاهد نقل مکان در مسافتهای کوتاه تا بلند و بسیار بلند حتی در ابعاد ایران تا روم هستیم. جنگها، رفت‌وآمدها، مجازاتها، بزمها و بسیاری از رخدادها متضمن کنش و حرکت در این منظومه روایت میشود، اما منظومه وحشی، بیشتر به تابلوی منظره‌ای ساکن و ساکت شبیه است که شخصیتها و مناظر در آن جمود ازلی و ابدی یافته‌اند و نقالی در کنار آن تابلو ایستاده است و با توصیفات مفصل و مطول، درباره هریک از این شخصیتها و مناظر سخن میگوید. از آنجا که بیشتر فصلهای پرکنش و تاریخمند منظومه نظامی در منظومه وحشی برش خورده و حذف شده است، برای مقایسه میتوان بخش کشته شدن فرهاد را نمونه آورد که در هر دو منظومه هست. نظامی، فصلی مستقل را به این رخداد اختصاص میدهد و خواننده را لحظه به لحظه با طرح و برنامه و رفتن و آمدن و آنچه رخ میدهد، همراه میسازد (خسرو و شیرین: ۲۹۰-۲۹۲)، اما کل این ماجرا در دنباله صابر بر منظومه وحشی، ذیل فصلی دیگر و با کمترین کنش ممکن رخ میدهد و درباره جزئیات کنشهایی که برای کشتن فرهاد رخ میدهد، تنها بدین بسنده میشود که «بسی تیر خطا از کف رها کرد»:

میان گفتگو خسرو ز شیرین
 شنید از محنت فرهاد مسکین
 به عشق کوهکن دیدش گرفتار
 پی آزادیش دل ساخت بیدار

به دفع کوهکن اندیشه‌ها کرد	بسی تیر خطا از کف رها کرد
در آخر از حدیث مرگ شیرین	به جان کوهکن افکند زوبین
نبودش چون ز عشق او فروغی	به جانش زد خدنگی از دروغی
به تیشه دست خود سر کوفت فرهاد	شد از کوه دو سد اندوه آزاد

(شیرین و فرهاد: ۶۱۰)

شخصیت‌پردازی از طریق گفتار

به سبب قالبی و قراردادی بودن شخصیت‌ها، طرز گفتار شخصیت‌ها یکسان است و نمیتواند دال بر شخصیت‌پردازی انگاشته شود، اما گونه‌ای از شخصیت‌پردازی از مجرای گفتار را در هر دو منظومه میتوان در نظر گرفت و آن، ذکر اوصاف یک شخصیت از زبان دیگر شخصیت‌ها و نه از زبان خود شاعر است. نمونه‌ای از این پدیده، آمدن انوشیروان به خواب خسرو است که خطاب انوشیروان به خسرو (ای تازه‌خورشید جهانتاب) و ادامه سخنان او، گویای ظهور شاهنشاهی عظیم در آینده شخصیت خسرو است:

نیای خویشتن را دید در خواب	که گفت ای تازه‌خورشید جهانتاب
----------------------------	-------------------------------

(خسرو و شیرین: ۴۷)

یا توصیف پرهیجان شیرین نخستین بار از زبان شاپور که از مشهورترین توصیف‌گرها در ادب کلاسیک فارسی نیز هست و هیجان‌انگیزی توصیفات شاپور، دال بر زیبایی و دلربایی بیحد شیرین است:

زبان بگشاد شاپور سخنگوی	سخن را بهره داد از رنگ و از بوی...
پری‌دختی پری بگذار ماهی	به زیر مقنعه صاحب‌کلاهی
سیه‌چشمی چو آب زندگانی	شب‌افروزی چو مهتاب جوانی
کشیده قامتی چون نخل سیمین	دو زنگی بر سر نخلش رطب‌چین...

(خسرو و شیرین: ۵۰-۵۱)

توصیف شخصیت از زبان دیگر شخصیت‌ها در منظومه وحشی بسیار کمتر رخ میدهد و وحشی بیشتر تمایل دارد که خود متکفل این کار شود و البته با شرح و بسط تمام به کار توصیفات می‌پردازد. از حسن اتفاق، یکی از معدود توصیفات شخصیت از زبان دیگر شخصیت‌ها در منظومه وحشی، باز توصیف شیرین است و از این جهت، مشابه توصیف شیرین در منظومه نظامی است:

بگفتندش که آن شیرین مشهور	کزو پرویز را شوریست در شور
ز نام او قیاس کار او کن	حلاوت‌سنجی گفتار او کن
نه تنها دیده جاسوس جمال است	که راه گوش هم راه خیال است...

(شیرین و فرهاد: ۵۳۳)

شخصیت‌پردازی از طریق نام

نظامی به شخصیت‌پردازی از طریق نام، توجه چشمگیر دارد. او برای بیان بزرگی شخصیت خسرو، به نامش تمسک می‌جوید:

پدر در خسروی دیده تماش	نهاده خسرو پرویز نامش
------------------------	-----------------------

(خسرو و شیرین: ۴۰)

و سپس برای تصویرسازی عادت کودکی خسرو که علاقه داشت از دیگران بیاویزد و به آغوششان برود، اشتقاق نام او را تبیین میکند:

از آن شد نام آن شهزاده پرویز
که بودی دایم از هر کس پر آویز
(همان)

نیز برای تبیین بزرگی مقام ملکه ارمن، به نام او اشاره میکند:

ز مردان بیشتر دارد سترگی
مهمین‌بانوش خوانند از بزرگی
شمیرا نام دارد آن جهانگیر
شمیرا را مهمین‌بانوست تفسیر
(خسرو و شیرین: ۵۰)

و نام شیرین را نیز با شخصیت او پیوند می‌زند:

رخش نسرين و بويش نیز نسرين
لبش شیرین و نامش نیز شیرین
(خسرو و شیرین: ۵۲)

و درباره شکر اصفهانی نیز به همینسان:

شکرنامی که شکر ریزد او بود
نباتی کز سپاهان خیزد او بود
(خسرو و شیرین: ۲۵۷)

وحشی نیز به این شگرد شخصیت‌پردازی در درجاتی کمتر توجه دارد و در معرفی شخصیت شیرین، گاه به نام او اشاره میکند:

چو شیرینی ترا شد کارفرمای
بیا خوش پایکوبان پیش نه پای
(شیرین و فرهاد: ۵۳۲)

شخصیت‌پردازی از طریق وضعیت ظاهری

هر دو شاعر به شخصیت‌پردازی از طریق توصیف وضعیت ظاهری توجه دارند. این توصیف‌ها گاه از زبان خود شاعر است و گاه از زبان دیگر شخصیت‌ها. نظامی به کرات، حسن صورت خسرو، برازندگی اندام و زور بازوی او را از زبان خویش و دیگران توصیف میکند. او در ذکر مراحل رشد خسرو می‌سراید:

چنان مشهور شد در خوبرویی
که مطلق یوسف مصر است گویی
به سر پنجه شدی با پنجه شیر
ستونی را قلم کردی به شمشیر
(خسرو و شیرین: ۴۲)

و از زبان شاپور خطاب به شیرین، خسرو را چنین توصیف میکند:

سکندر موکبی دارا سواری
ز دارا و سکندر یادگاری
به خوبیش آسمان خورشید خوانده
زمین را تخمی از جمشید مانده
شهنشه خسرو پرویز کامروز
شهنشاهی بدو گشته است پیروز
(خسرو و شیرین: ۶۷)

نظامی همچنین در ابتکاری جالب، به دستبازی عکس‌العمل‌های شیرین، ظاهر خسرو را توصیف میکند:

بیاوردند صورت پیش دل‌بند
بر آن صورت فرو شد ساعتی چند
نه دل میداد ازو دل برگرفتن
نه می‌شایستش اندر بر گرفتن

صورت پیش دل‌بند
بر آن صورت فرو شد ساعتی چند
دل میداد ازو دل برگرفتن
نه می‌شایستش اندر بر گرفتن

به هر دیداری از وی مست میشد به هر جامی که خورد از دست میشد
(خسرو و شیرین: ۵۹)

وضعیت ظاهری دیگر شخصیتها به ویژه شیرین و فرهاد نیز هم از زبان شاعر و هم از زبان دیگر شخصیتها به خوبی در منظومه نظامی توصیف میشود. وحشی نیز به این گونه شخصیت‌پردازی توجه دارد. وحشی از زبان شیرین، استادکار مطلوب را چنین توصیف میکند و این توصیفات بلافاصله بر فرهاد صدق میکند و در حقیقت توصیف فرهاد است:

قوی بازو قوی گردن، قوی پشت به فریاد آهن و فولادش از مشت
سر پا گر زدی بر سنگ خاره چو تیشه کردی آنرا پاره پاره
(شیرین و فرهاد: ۵۳۱)

و سپس شیرین را از زبان خدمتکاران، چنین توصیف ظاهر میکند:

به ارمن سکه شاهی به نامش ولی از ماه تا ماهی غلامش
همایون پیکری طاووس تمثال بسی باز سپید او را به دنبال
ز خور در پیش روی نورپاشش بگردد راه مه از دورباشش
(شیرین و فرهاد: ۵۳۳)

در مقاطع دیگر منظومه شیرین و فرهاد نیز شاهد توصیفات روشنی از وضعیت ظاهری شیرین و فرهاد هستیم، اما تفاوت کار وحشی با نظامی در آن است که وحشی، برشی از داستان را میسراید و به همین سبب، هم شخصیت‌های حاضر در این برش، کم تعداد هستند و طبیعتاً مجموع توصیفات وحشی کمتر از نظامی است.

نتیجه‌گیری

نظامی گنجوی و وحشی بافقی، داستانی واحد را از دو زاویه دید متفاوت سرودند. حاصل کار نظامی، منظومه خسرو شیرین و حاصل کار وحشی، منظومه شیرین و فرهاد شد. به سبب تفاوت نوع نگاه این دو شاعر، شخصیت‌های در مرکز توجه و نوع شخصیت‌پردازی در این دو منظومه، با همه شباهتها، تفاوت‌های آشکار دارد. نظامی در حقیقت تاریخنامه زندگانی و پادشاهی خسرو پرویز را از زمان زادن تا هنگام جان سپردن سروده‌است و البته به آن آب و رنگ عاشقانه نیز داده است. به سبب اساس تاریخی منظومه نظامی، شخصیت اصلی منظومه او، خسرو است و سپس شیرین که ملکه اوست و دیگر شخصیتها که تعدادشان نیز بسیار است، برخی مانند فرهاد و شاپور، جنبه فرعی دارند و برخی هم مانند ندیمان و خدمتکاران، سیاهی لشکرند. در مقابل، وحشی، برشی از یک داستان بزرگتر را برگزیده‌است و به تبع این گزینش، شخصیتها را نیز گزینش کرده و به حداقل ممکن رسانده‌است. شخصیت اصلی منظومه وحشی، شیرین است و سپس فرهاد و خسرو از مرکز توجه خارج شده و مبدل به شخصیت فرعی شده‌است و تعدادی سیاهی لشکر نیز در قالب ندیم و خدمتکار در منظومه او حضور دارند. شخصیتها در منظومه نظامی به سبب آنکه در بطن یک متن تاریخی عمل میکنند، فردیت بیشتر دارند و خسرو کمابیش یک شخصیت تاریخی با فردیت کامل است. شخصیت شیرین در منظومه نظامی، چیزی میان شخصیت فردی و نمادین است و فرهاد و شاپور تا حد بسیار زیادی، نوعی و نمادینند. اما در منظومه وحشی، جنبه نوعی و نمادین شخصیتها که

تعدادشان نیز اندک است، چشمگیرتر است. حتی میتوان فرهادی را که وحشی به تصویر میکشد، کمابیش شخصیت ازلی انگاشت. شخصیتهای منظومه نظامی، کنش بیشتر دارند و تحرک فراوانی را به نمایش میگذارند و این تا حدی به سبب غلبه تاریخ بر کلیت منظومه نظامی است، اما شخصیتهای منظومه وحشی، بیش از آنکه حرکت و کنش را به نمایش بگذارند، موضوع هنرنماییهای وحشی در توصیفگری هستند. این شخصیتهای بیشتر شبیه افراد حاضر در تابلوی نقاشی هستند که ساکت و ساکن‌اند و شاعر در کنار این تابلو ایستاده و درباره افراد حاضر در آن، نقلی میکند. همچنین نظامی در عین شخصیت‌پردازیهای مستقیم که طبیعی ادب کلاسیک فارسی است، به شیوه‌های شخصیت‌پردازی غیرمستقیم نیز توجه درخوری دارد. وحشی نیز اگرچه به شخصیت‌پردازی غیرمستقیم بی‌توجه نیست، اما نسبت به نظامی توجهی کمتری به این پدیده دارد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله، حاصل تلاش علی‌احمد صادقی جوزانی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، و دکتر فوزیه پارسا، استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد و دکتر ناهید عزیز استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد است.

تشکر و قدردانی

از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد سپاسگزاریم.

عدم تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسنده است و او نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارد. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول (دکتر فوزیه پارسا) است و او مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرد.

REFERENCES

- Abdullahian, Hamid. (2002). *Personality and characterization in contemporary stories*. Tehran: Nash An.
- Ali Babaei, Gholamreza (2008). *History of the Iranian army (from 558 BC to 1357 AD)*. Tehran: Mohaghegh.
- Altonji, Mohammad (2001). *Dictionary of women's signs*. Beirut: Dar al-Alam Lamlayin.

- Abedi, Dariush. (2006). *A bridge to fiction writing*. 5th edition. Tehran: Naşramdarse.
- Azhend, Yaqoub (2009). *Ancient Persia*. second edition. Tehran: Molly.
- Barahani, Reza. (1989). *Story writing*. Fourth edition. Tehran: Nash Alborz.
- Bishop, Leonard. (2004). *Lessons about story writing*. Translated by Mohsen Soleimani, third edition. Tehran: Mehr.
- Dastgheyb, Abdul Ali. (2005). "Characterization in the story". *Keyhan Farhani*. No. 233. Marvarid Publishing. Pp.34-39.
- Fatemi, Seyyed Hossein; Draper, Mary. (۲۰۰۹). "Investigating the mechanism of characters in Khosraw and Shirin Nezami". *New Literary Essays Magazine*. No. 167. pp. 53-78.
- Hanif, Mohammad. (1993). *Stages of story creation*. Tehran: Islamic Propaganda Organization's artistic publishing house.
- Hosseini Moghadam, Asma. (2015). "Analysis of Khosraw's personality in Khosraw and Shirin Nezami's poem based on meaning-oriented theory". *Journal of Persian Literature Textology*. No. 31. pp. 81-98.
- Irani, Nasser. (1985). *Story, definitions of tools and elements*. Tehran: Children's and teenagers' intellectual publishing house.
- Khosravi, Abu Tarab. (2013). *Marginal Bermani story*. Second edition. Tehran: Third publication.
- Mastour, Mustafa. (2000). *Basics of short stories*. Tehran: Nashmarqas.
- Mirsadeghi, Jamal. (1997). *fiction literature (stories, romances, short stories, novels)*. Sixth edition. Tehran: Sokhon Publications.
- _____. (2009). *Story elements*. Sixth edition. Tehran: Sokhon Publications.
- Najafi, Venus; Sidi, butterfly. (۲۰۲۲). "Analysis of the characters of Shirin and Farhad Vahashi Bafghi's poems based on Alfred Adler's theory". *Adab Ghanai research magazine*. No. 38. pp. 325-354.
- Nezami Ganjavi, Elias bin Yusuf. (1934). *Khosrow and Shirin*. Corrected by Vahid Tastgardi. First Edition. Tehran: Armaghan.
- Okhovvat, Ahmad. (1992). *Story grammar*. First edition. Isfahan: Farda Press.
- Qaed Ali, Sadra. (۲۰۰۳). "Analysis of military personality and characterization in Khosraw and Shirin and Laili and Majnoon" *Journal of Literature and Human Sciences (Birjand University)*. Number 3. pp. 149-162.
- Vahshi e Bafghi, Kamaluddin Mohammad. (1976). *Bafghi's wild beast*. Edited by Hossein Nakhai. Fifth Edition. Tehran: Amir Kabir.

- Zakari, Maryam; Adelzadeh, Parvaneh; Pashaei Fakhri, Kamran. (۲۰۲۳). "Analysis of the personalities of Khosrow and Shirin Nizami based on the theory of Martin Seligman". *Stylistics of Persian poetry and prose (Bahar e Adeb)*. No. 91. pp. 119-95.
- Zarrinkoub, Abdul Hossein (2016). *History of Iranian people; Volume I: Iran before Islam*. Tehran: Amir Kabir.

فهرست منابع فارسی

- آژند، یعقوب (۱۳۸۹). *ایران باستان*. چاپ دوم. تهران: مولى.
- آلتونجی، محمد (۲۰۰۱). *معجم‌الاعلام للنساء*. بیروت: دارالعلم للملایین
- اخوت، احمد. (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. چاپ اول. اصفهان: نشر فردا.
- ایرانی، ناصر. (۱۳۶۴). *داستان، تعاریف/بزارها و عناصر*. تهران: نشر کانون فکری کودکان و نوجوانان.
- براهنی، رضا. (۱۳۶۸). *قصه نویسی*. چاپ چهارم. تهران: نشر البرز.
- بیشاب، لئونارد. (۱۳۸۳). *درسهایی درباره داستان نویسی*. ترجمه محسن سلیمانی. چاپ سوم. تهران: مهر.
- حسینی مقدم، اسما. (۱۳۹۵). «تحلیل شخصیت خسرو در منظومه خسرو و شیرین نظامی با تکیه بر نظریه معنا محور». *مجله متن‌شناسی ادب فارسی*. شماره ۳۱. صص ۸۱ - ۹۸.
- حنیف، محمد. (۱۳۷۲). *مراحل خلق داستان*. تهران: نشر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- خسروی، ابوتراب. (۱۳۹۲). *حاشیه‌ای بر مبانی داستان*. چاپ دوم. تهران: نشر ثالث.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۸۴). «شخصیت‌پردازی در داستان». *کیهان فرهنگی*. شماره ۲۳۳. صص ۳۴-۳۹.
- ذاکری، مریم؛ عادل‌زاده، پروانه؛ پاشایی فخری، کامران. (۱۴۰۲). «واکاوی شخصیت‌های خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریه مارتین سلیگمن». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. شماره ۹۱. صص ۹۵-۱۱۹.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۶). *تاریخ مردم ایران؛ جلد اول: ایران قبل از اسلام*. تهران: امیرکبیر
- عابدی، داریوش. (۱۳۸۵). *پلی به سوی داستان نویسی*. چاپ پنجم. تهران: نشر مدرسه.
- عبداللهیان، حمید. (۱۳۸۱). *شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستانهای معاصر*. تهران: نشر آن.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۹). *تاریخ ارتش ایران (از ۵۵۸ پیش از میلاد تا ۱۳۵۷ شمسی)*. تهران: محقق.
- فاطمی، سیدحسین؛ درپر، مریم. (۱۳۸۸). «بررسی سازوکار شخصیتها در خسرو و شیرین نظامی». *مجله جستارهای نوین ادبی*. شماره ۱۶۷. صص ۵۳-۷۸.
- قائده‌علی، صدرا. (۱۳۸۲). «تحلیل شخصیت و شخصیت‌پردازی نظامی در دو منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون». *مجله ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه بیرجند)*. شماره ۳. صص ۱۴۹-۱۶۲.
- مستور، مصطفی. (۱۳۷۹). *مبانی داستان کوتاه*. تهران: نشر مرکز.

میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). *ادبیات داستانی (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان)*. چاپ ششم. تهران: انتشارات سخن.

میرصادقی، جمال. (۱۳۸۸). *عناصر داستان*. چاپ ششم. تهران: انتشارات سخن.

نجفی، زهره؛ سیدی، پروانه. (۱۴۰۱). «بررسی شخصیتهای منظومه شیرین و فرهاد وحشی بافقی بر اساس نظریه آلفرد آدلر». *مجله پژوهشنامه ادب غنایی*. شماره ۳۸. صص ۳۲۵-۳۵۴.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۱۳). *خسرو و شیرین*. تصحیح وحید دستگردی. چاپ اول. تهران: ارمغان.

وحشی بافقی، کمال‌الدین محمد. (۱۳۵۵). *دیوان وحشی بافقی*. ویراسته حسین نخعی. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.

معرفی نویسندگان

علی‌احمد صادقی جوزانی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.
(Email: sadeghi.sik1355@gmail.com)
(ORCID: 0009-0009-4852-1263)

فوزیه پارسا: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.
(Email: f.parsa@iaub.ac.ir: نویسنده مسئول)
(ORCID: 0000-0003-3294-0884)

ناهید عزیزی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.
(Email: n.azizi@iaub.ac.ir)
(ORCID: 0009-0003-5294-509x)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Ali Ahmad Sadeghi Jowzani: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran.
(Email: sadeghi.sik1355@gmail.com)
(ORCID: 0009-0009-4852-1263)

Fouzia Parsa: Assistant Professor of the Department of Persian Language and Literature, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran.
(Email: f.parsa@iaub.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 0000-0003-3294-0884)

Nahid Azizi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran.
(Email: n.azizi@iaub.ac.ir)
(ORCID: 0009-0003-5294-509x)